

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان و نگارش: ا. م. شیری  
۲۲ اپریل ۲۰۲۳

## من به لنین افتخار می‌کنم



۲۲ اپریل زادروز ولادیمیر ایلیچ لنین

### بزرگان عالم شاهدند

هانری باربوس (فرانسه): «من در سیمای لنین مردی را عزیز می‌دارم که با ایثار کامل، تمام توان خود را در راه عدالت اجتماعی صرف کرد.»

آلبرت انیشتین (آلمان): «اگر دیگران از روش‌های لنین پیروی کنند، آنگاه دوران جدیدی در برابر ما گشوده خواهد شد، ما با خطر سقوط و مرگ مواجه نخواهیم شد، تاریخ جدیدی برای ما آغاز خواهد شد.»

برنارد شاو (ایرلند): «آرمانی که نهنگان روح، مانند لنین خود را وقف آن کردند، نمی‌تواند بی‌ثمر باشد. نمونه شریف از ایثار او که در طول اعصار تجلیل خواهد شد، این آرمان را متعالی و زیباتر خواهد کرد.»

ماهاتما گاندی (هند): «او فروپاشی روسیه آشفته را متوقف کرد. لنین توانست طرحی برای سازماندهی جامعه کمونیستی ترسیم و آن را اجرا کند.»

نیکولای الکساندروویچ بردیایف (پس از اخراج از روسیه شوروی در سال ۱۹۲۲): «لنین از یک تکه ساخته شده و یکپارچه است. نقش لنین نمایش برجسته شخصیت در رویدادهای تاریخ است. لنین می‌توانست رهبر انقلاب شود و نقشه طولانی مدت خود را محقق سازد، زیرا او یک روشنفکر معمولی روسی نبود.»

**وینستون چرچیل (انگلستان):** «لنین، بنا به شهادت همه کسانی که او را دیده‌اند، خود را به عنوان بزرگترین دولتمرد اروپای مدرن نشان داد. مردی که از نفوذ نامحدود در میان توده‌ها بهره‌مند بود، در میان مردم شور و شوق برمی‌انگیخت و حس نظم و انضباط آگاهانه را در آن‌ها برمی‌انگیخت».

**کارل کانوتسکی (آلمان):** «باید دیوانه باشی تا عظمت لنین را نشناسی. جمع‌آوری روسیه غرق در هرج و مرج، در کمین ضدانقلابیون از هر طرف، خسته تا سرحد مرگ، در یک مجموعه دولتی واحد، این دستاوردی بود که بسختی می‌توان مشابه آن را در تاریخ یافت».

**ادوارد هریو (فرانسه):** «لنین به زندگی خود ادامه می‌دهد و نه در بناهای تاریخی و پرتره‌ها، بلکه در دستاوردهای عظیم خود و در قلب صدها میلیون کارگری که از او الهام گرفته‌اند و به آینده بهتر امیدوارند».

**جواهر لعل نهرو (هند):** «لنین، بدون هیچ شکی، یک پدیده دوران‌ساز بود، او یک مرد، یک فرمانروای سبک نوین بود، مملو از نیرو، اراده قدرتمند و زهد...».

**توماس مان (آلمان):** «لنین، این سمبل کامل انسان نوین است؛ او برای ما نماد اولیه انسان آینده است».

**الکساندر میخائیلوویچ رومانوف شازاده بزرگ:** «...حافظ منافع ملی روسیه کسی نبود جز لنین انترناسیونالیست که در سخنرانی‌های مستمر خود، از هیچ کوششی برای اعتراض به تقسیم امپراتوری سابق روسیه فروگذار نکرد و برای زحمتکش‌ان سراسر جهان جذاب است».

**هربرت ولز (انگلستان):** «من طرفدار نظریه نقش انحصاری «انسان‌های بزرگ» در زندگی بشر نیستم، اما اگر در مورد نمایندگان بزرگ خانواده خود صحبت کنیم، باید اعتراف کنم که لنین حداقل یک شخصیت واقعاً بزرگ بود».

**سون یاتسین (چین):** «در طول چندین قرن تاریخ جهان، هزاران رهبر و دانشمند با کلماتی زیبا بر زبان، ظاهر شده‌اند که هرگز عملی نشده است. تو، لنین، یک استثناء هستی. شما نه تنها سخن گفتید و آموزش دادید، بلکه سخنان خود را به واقعیت تبدیل کردید. شما یک کشور جدید ایجاد کردید. تو به ما راه نشان دادی...».

**مارتین اندرسن نکسه (دانمارک):** «لنین که از همه باهوش‌تر بود، با حساسیت به صدا و ضربان قلب مردم عادی گوش داد، از آن‌ها آموخت، آن‌ها و اعمالشان را تعالی بخشید، نشان داد که انسان عادی و کار او اساس زندگی است. این به تنهایی یک پاداش بود در مقابل پایان بخشیدن به زندگی بی‌هدف هزاران ساله. پیش از این مردم عادی هرگز کسی که خود و زندگی‌اش را بخوبی لنین بشناسد، به یاد نداشت. بنابراین، لنین همیشه جایگاه ویژه‌ای در قلوب کارگران خواهد داشت و هیچ آزار و اذیت و تهمت نمی‌تواند نگاه آن‌ها نسبت به لنین را تغییر دهد. حتی ضعیف‌ترین و عقب‌مانده‌ترین افراد نیز با تلفظ نام لنین به شوق می‌آیند و چشمانشان برق می‌زند».

**لیون فیختوانگر (آلمان):** «تعریف لنین از آزادی کاملاً تفاوت بین اومانیسیم واقعی و کاذب، بین دو گونه اومانیسیم را به خوبی نشان می‌دهد».

«انسان‌گرا آزادی را در این می‌داند که اجازه داده شود علناً دولت را سرزنش کند. انسان‌گرایی واقعی لنین بر این باور است که او آزاد است که از ترس بی‌کاری، پیری و گرسنگی رها باشد، کسی که از ترس سرنوشت فرزندانش آزاد باشد، آزاد است...».

**تنودور درایزر (ایالات متحده آمریکا):** «زمانی که در سال‌های ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ در روسیه بودم، اتفاقاً در نواحی دور افتاده کشور دیدم که با روح لنین متحد شده‌اند، دهقانان و کارگران، مردان و زنان، با احترام در مقابل تندیس نیم تنه لنین و تا آنجا که من فهمیدم، در آن (و به نظر من کاملاً بدرستی) نجات دهنده خویش را می‌دیدند».

«نتیجه فوری این مبارزه هر چه باشد، لنین و روسیه‌اش، انسانیت و عدالتی که او برای کشور به ارمغان آورد، در نهایت پیروز خواهند شد».

«... مردم روسیه که توسط لنین آزاد شده‌اند، هرگز اجازه نخواهند داد که دوباره به برده تبدیل شوند. این مردم با روحیه لنینی برای آزادی خود خواهد جنگید. من در مورد نتیجه این مبارزه شکی ندارم. لنین و دولت شورائی او پیروز خواهد شد».

**جان رید (ایالات متحده امریکا):** «لنین لوکوموتیو تاریخ است. هیچ شباهتی به بت جمعیت ندارد، ساده، محبوب و محترم، به گونه‌ای که شاید فقط تنی چند از رهبران در تاریخ چنین مورد محبت و احترام عموم قرار گرفته باشند. یک رهبر مردمی خارق‌العاده، رهبری صرفاً به‌خاطر عقلش، بیگانه با هر نوع رفتارهای نمایشی، بی‌تأثیر از روحیات، استوار، سرسخت، بدون تمایلات تظاهری، اما دارای توانایی عظیم در تشریح پیچیده‌ترین ایده‌ها با ساده‌ترین کلمات و ارائه تحلیل عمیق از یک موقعیت خاص، همراه با انعطاف‌پذیری نافذ و شجاعت ذهن متهورانه».

**آنتونیو گرامشی (ایتالیا):** «لنین، بنا به گواهی همه کسانی که تا به حال او را دیده‌اند، نشان داد که بزرگترین دولتمرد اروپای مدرن است. مردی که از نفوذ نامحدود در میان توده‌ها برخوردار است، در میان مردم شور و اشتیاق برمی‌انگیزد، حس نظم و انضباط آگاهانه را در آن‌ها بیدار می‌کند؛ مردی که به لطف ذهن قدرتمند خود می‌تواند تمام نیروهای اجتماعی جهان را که می‌توان از آن‌ها به نفع انقلاب استفاده کرد، رهبری کند. مردی که پیچیده‌ترین دسایس دولتمردان بورژوائی را به راحتی تشخیص داده و فلج می‌کند».

**کلیمنت آرکادیویچ تیمریازف:** «بلشویک‌هایی که لنینسیم را اجراء می‌کنند- من معتقدم و متقاعدم- برای خوشبختی مردم فعالیت می‌کنند و آن‌ها را به سعادت می‌رسانند. من همیشه مال شما و با شما بوده‌ام... مراتب قدردانی مرا به خاطر راحل درخشان او برای مسائل جهان در تنوری و عمل، به ولادیمیر ایلیچ ابلاغ کنید. معاصر بودن و شاهد فعالیت باشکوه ایشان بودن افتخار من است. من در برابر او سر تعظیم فرود می‌آورم و می‌خواهم همه این را بدانند...».

**الکساندر یوگنی اویچ فرسمان:** «ولادیمیر ایلیچ با شهود کمیاب فرآیندهای تاریخی و اجتماعی را فراگرفت: او به طرز شگفت‌انگیزی ویژگی‌های توسعه آینده را به تصویر کشید و هنگامی که در سال ۱۹۱۹ با او در مورد مسائل مربوط به سازماندهی نیروهای علمی صحبت کردم، او تأکید کرد که از علم روسیه انتظار دستاوردهای بزرگی دارد، اما به شرطی که از اقتصاد ملی عقب نماند و افزود: با این حال، ساخت اقتصادی بر اساس اصول جدید، ناگزیر علم را به حوزه منافع خود می‌کشاند. ثابت شد که این سخنان پیامبرگونه است».

**سرگنی ایوان اویچ اویلوف:** «مرحله جدید توسعه تمام علوم اجتماعی، شناخت ژرف قوانین توسعه اجتماعی، جوهر مبارزه سیاسی و نظری در جامعه معاصر با نام لنینی پیونده خورده است...».

«هر چه از دوره زندگی و کار ولادیمیر ایلیچ دورتر می‌شویم، اهمیت استثنائی کار لنین در زمینه علوم فلسفی، تاریخی و اقتصادی آشکارتر می‌شود».

**گلب ماکسیمیلیانوویچ کرژیژانوفسکی:** «کارل مارکس استدلال می‌کرد که کسی که می‌خواهد به بلندی‌های درخشان دانش راه پیدا کند، نباید از بالا رفتن از مسیرهای دشوار صخره‌ئی، از پرتگاه‌های خطرناک و پرشیب هراس داشته باشد. خود ولادیمیر ایلیچ دقیقاً چنین حقیقت‌جوی بی‌باک، سخت‌کوش، شگفت‌انگیز و شجاع بود. همه ما که او را شخصاً می‌شناختیم، به‌ویژه، از این ترکیب هماهنگی در وجود او که دانشمندی درخشان، کارگری فداکار، انقلابی و سخنوری سرسخت بود، متأثر شدیم. به همین دلیل است که او نه تنها بهترین شاگرد مارکس بود، بلکه از نظر خصوصیات اساسی خود بسیار به این بزرگترین نابغه بشر نزدیک بود. احساسات عالی و یک ذهن فعال، هوش

فوق‌العاده عالی و یک قلب بزرگ – این‌ها همان ویژگی‌هایی هستند که این دو شخصیت را، جهانی‌ترین نابغه‌ها در میان تمام نوابغ را که تا به حال روی زمین زندگی کرده‌اند، به هم پیوند می‌دهد».

**الکساندر پتروویچ کارپینسکی:** «ولادیمیر ایلیچ دارای یک ویژگی مثبت نادر بود – او می‌دانست که چگونه اشتباهات خود را که در کار گسترده و پیچیده‌ای که به گمان او کاملاً اجتناب‌ناپذیر است، تشخیص دهد و با قاطعیت اشتباهات مقامات محلی در کار اجرائی را که اگر اقدامات آن‌ها با نیات واقعی لنین مطابقت نداشت، اصلاح کند».

«... به لطف مراقبت او، با کمک و تشویق گسترده او، رشد کمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آکادمیک آغاز شد، قلمرو آن‌ها به وسعت یک شهر افزایش یافت و آکادمی ما را در میان همه آکادمی‌های با اهمیت جهانی منحصر به فرد کرد».

**ولادیمیر مایاکوفسکی:**

«او، درست مثل من و تو،

چشم و گوش و زبان دارد

فقط، فرق در افکار است و نگاه

مهربان با رفیق و

سخت‌تر از آهن در مقابل دشمن.

**سرگئی یسنین:**

«خجالتی، ساده و جذاب

او مانند ابوالهول در مقابل من است.

نمی‌فهمم چه قدرتی در اوست

آیا توانست کره زمین را تکان دهد؟

آری، تکان داد...».

**قدور شالیپین:** «من نمی‌توانم آنقدر کور و مغرض باشم که متوجه نشوم در عمیق‌ترین پایه جنبش بلشویکی نوعی تمایل برای سازماندهی مجدد واقعی زندگی بر اساس اصول عادلانه‌تر، همانطور که به نظر لنین و برخی دیگر از هم‌زمانش به نظر می‌رسید، نهفته است».

**اسقف تیخون:** «البته من و ولادیمیر ایلیچ لنین از نظر ایدئولوژیک با هم اختلاف داشتیم، اما اطلاعاتی درباره او به عنوان مردی مهربان و واقعاً مسیحی دارم.»

**آنا تولی و اسیلیویچ لوناچارسکی:** «این جذابیت عظیم است: افرادی که به حلقه او نزدیک می‌شوند، نه تنها او را به عنوان یک رهبر سیاسی می‌پذیرند، بلکه به نحوی عجیب عاشق او می‌شوند. این در مورد افراد با لیاقت و ساختار معنوی مختلف – از چنین استعداد عظیم و ظریف مانند ماکسیم گورکی تا دهقان ساده ای از اعماق استان پنزا، از ذهن‌های سیاسی درجه یک، مانند زینوویف، تا یک سرباز و ملوان و تا صدها گارد سپاه دیروزی، که همواره حاضرند سرهای خود را برای «رهبر انقلاب جهانی – لنین فدا کنند، صدق می‌کند».

**یوسف ویساریونوویچ ستالین:**

«منطق در سخنرانی‌های لنین نوعی شاخک‌های قادر مطلق هستند که تو را از هر سو احاطه می‌کنند به طوریکه قدرت گریز از آغوش آن نداری. بنابراین، یا باید تسلیم شوی و یا شکست کامل را به‌پذیری.» «در مورد لنین و پتر کبیر، پتر یک قطره در اقیانوس بود و لنین تمام اقیانوس».

ماکسیم گورکی: «من مجذوب اراده آشکار او برای زندگی و نفرت عمیق وی از زشتی‌ها بودم. من هیجانانگیز دورۀ جوانی را تحسین می‌کردم، همانطور که او هر کاری را با تمام وجود انجام می‌داد. من از کارائی فوق انسانی او شگفت‌زده شدم».

«او یک انسان روس بود، که مدت طولانی در خارج از روسیه زیست، میهن خود را با دقت زیر نظر داشت و مطالعه کرد. از دور رنگارنگ‌تر و روشن‌تر به نظر می‌رسد. او قدرت بالقوه آن را بدرستی ارزیابی کرد»... «حتی برخی از کشورهای دشمن او صادقانه اذعان می‌کنند: در سیمای لنین، جهان مردی را از دست داد که در میان همه بزرگان زمان خود، به وضوح تجسم نبوغ بود»...

«شخصاً برای من، لنین نه تنها تجسم شگفت‌انگیزی از اراده و تلاش برای رسیدن به هدفی است که هیچ کس قبل از او جرأت نکرده بود، عملاً پیش روی خود قرار دهد، بلکه یکی از آن افراد صالح، یکی از آن خارق‌العاده‌ها، نیمه‌افسانه‌ها و افراد غیرمنتظره با اراده و استعداد در تاریخ روسیه، مانند پتر کبیر، میخائیل لومونوسوف، لئو تولستوی و دیگران از این مجموعه است. من فکر می‌کنم که پیدایش چنین افرادی فقط در روسیه امکان‌پذیر است که تاریخ و شیوه زندگی آن همیشه مرا به یاد سدوم و عموره می‌اندازد».

«... قهرمانی او تقریباً به طور کامل عاری از درخشش ظاهری است، قهرمانی او فداکاری متواضعانه و زاهدانه یک روشنفکر انقلابی صادق روسی است که به امکان برقراری عدالت بر روی زمین صادقانه اعتقاد دارد، قهرمانی مردی که به خاطر کار سخت برای خوشبختی مردم از تمام شادی‌های جهان چشم‌پوشی کرد».

«او فرزند بزرگ این دنیای نفرین شده است».

«زندگی خصوصی او طوری بود که در ادوار دینی از او قدیس می‌ساختند».

هم اکنون نیز کشتی انقلاب، گهی تند و گهی آهسته، اما، پیوسته در مسیر لنینی پیش می‌رود...

برگرفته از: [ساوتسکایا راسیا- وب سایت حزب کمونیست روسیه](#)

۱ اردیبهشت-ثور ۱۴۰۲